

شهید محمد جواد اجرایی



نام پدر	محمد تقی
تاریخ تولد	۱۳۴۸/۱۲/۰۱
محل تولد	بوشهر - جم
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۲۱
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	تک تیرانداز - رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	محصل
تحصیلات	دوم متوسطه
مدفن	جم

زندگینامه

شهید محمد جواد اجرایی در سال ۱۳۴۸ در خانواده ای متدین و مذهبی در جم از توابع کنگان دیده بجهان گشود. وی در ۷ سالگی به مدرسه رفت و تا کلاس دوم متوسطه درس خواند. شهید اجرایی فردی خوش برخورد و خوش اخلاق بود. در مدرسه نیز بسیار فعال بود. شهید اجرایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت بسیج در آمد و به فعالیت پرداخت. وی در مورخه ۲۱/۱۰/۱۳۶۵ پس از حضور فعال در جبهه های نبرد در اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه عملیاتی شلمچه به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه

فرستنده: نام و نام خانوادگی: محمد جواد اجرائی / اعزامی از: ...؟.. / جهت: تپه: امیرالمومنین / از جبهه: ...؟.. و
فاو/ تاریخ: ۸/۴/۱۳۶۵

بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم
انا لله و انا اليه راجعون

جهت سپاس به درگاه خداوند عزوجل مبنی بر شکر گذاری از نعمات بی پایانش و همچنین جهت اینکه به ما عنایت فرمود که در جبهه در کنار رزمندگان کفر ستیز اسلام حضور داشته باشیم به همین منظور سوره حمد را از یاد نمی بریم:

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الرب العالمين - الرحمن الرحيم - مالک يوم الدين - اياک نعبد و اياک نستعين - اهدن الصراط المستقيم - صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و الضالين - صدق الله العلي العظيم.

بهترین درود ها بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت ختمی مرتبت محمد ابن عبدالله (ص) و وصی...؟.. صاحب ولایت کبری علی مرتضی(ع) و اولاد...؟.. بویژه قطب عالم امکان حضرت حجت بن الحسن العسكري روحی التراب (!) مقدمه الفدا و نایب بر حقش امام است و امت امام، مردم حزب الهی و سلحشور و افتخار آفرین و کفر ستیز ایران اسلامی بویژه خانواده شهدا و اسرا و مفقودالاثرا و جانبازان انقلاب...؟..، اینجانب محمد جواد اجرائی وصیت نامه خود را بشرح زیر مینویسم: باسمه تعالی شهادت مرتبه ای نیست که همه لایق ان باشند این وصیت نامه را هم از ان بابت می نگارم که احتمال شهادت برایم بعید است ولی بهر حال ارزو بر جوانان عیب نیست، آنچه به وحشتم می اندازد روز قیامت و شدت گناهان دنیا و اینکه هر چه کنیم امید به رهایی از آتش دوزخ نیست تنها یک راه نجات است (!) که می توان امیدوار بود و ان شهادت، چرا که شهید اولین قطره خونی که از او ریخته میشود تمام گناهانش پاک می شود. البته این را هم میدانم که شهید بایست مراحل مقدماتی در این دنیا طی کند و هیچ کس بدون طی مراحل لازم به این افتخار نائل نمی شود و از این جهت وضع من بسیار ناراحت کننده است بهر حال شاید به برکت خون شهیدان و در فضای عطر این کربلا رحمت خداوندی شامل حال من نیز شود در زمانی که همه طاغوتیان و جباران که دستشان تا مرفق به خون مستضعفان الوده است و کمر به نابودی این(؟..؟) و انقلاب بسته اند و قصد نابودی انقلاب خون بار حسینیان را در بر(؟) دارند، من نیز به مسئولیت شرعی و وظیفه خود دانستم که در این نبرد شرکت کنم که در این راه پیروزی و شهادت هر دو رستگاری است و شکر خدای را که به من سعادت جنگیدن در راهش را عنایت فرموده...؟.. من کوچکتر از ان می باشم که پیام یا سفارشی بدهم (!) و به عنوان کوچکتر شما به جوانان اعلام میکنم، ای جوانان نکند در رختخواب...؟.. ذلت بمیرید که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بسر برید که علی(ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی تفاوتی بسر برید که علی اکبر امام حسین(ع) در راه حسین(ع) و با هدف شهید شد. برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین در مانها برای تسکین دردها ست و همیشه بیاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بد بختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرت هاست. حضور تان را در جبهه حق بر علیه باطل ثابت نگه دارید و به فرمانهای امام امت لبیک گویان عمل نمایید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را در یابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید اگر فیض شهادت نصیب گشت انا نکه پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگر نیستند (!) و بر جنازه من حاضر نشوند، اما باشد که دعا شهدا اینان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سفارش به...؟.. مادران این است که نهای مادران مبادا از رفتن فرزندان تان به جبهه جلو گیری کنید که خود را در محضر خدا نمی توانید جواب زینب را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب (!) جوانان تان را به جبهه های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید (!) زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خدا داده ام پس نمی گیرم. پیامم به شما ملت مسلمان ایران این است که سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگوئید تا آخرین قطره خونم خودم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد (!) با خداوند پیمان میکنم که در

تمام عاشورا ها و در تمام کربلا ها با حسین(ج) همراه باشم و سنگر او را خالی نمی کنم تا هنگامیکه همه احکام اسلام در زیر پرچم ...؟!.. امام زمان (عج) به اجرا در آید.

قسمتی از آخرین نامه شهید برای مادرش: مادر عزیزم از اینکه نتوانستم به موقع و مرتب برایت نامه بنویسم نهایت معذرت می‌خواهم و امیدوارم که از این بابت بخشید و الان در آبادان هستیم که اگر خداوند نصیب کرد و در این عملیات شرکت کردم، اگر دیگر برگشتم و به فیض شهادت رسیدم مرا حلال کنید و اگر گاهی مزاحم تان شده ام و اذیت و آزار شما کردم مرا ببخشید و حلال کنید به احتمال ۹۰ درصد این آخرین نامه است که دیگر من خواهم نوشته‌مادر ما امشب برای حمله می‌رویم و به امید خداوند تبارک و تعالی پوزه دشمن بعثی را به خاک خون خواهیم مالید و مادر مهربان اگر در این عملیات سالم برگشتم که چه بهتر و دوباره می‌توانم در عملیات های دیگر شرکت کنم و این به شما بگویم که اینجانب فرزند حقیر شما تا بر پائی پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله در جبهه خواهم ماند و اگر در این راه به فیض عظیم شهادت نائل گردیدم که چه بهتر و به آرزوی خود رسیده ام و خوشحال خواهم شد آرزوی من در این عملیات این است که به صورت؟!.....؟!..... و از خداوند متعال خواهانم که همگی رزمندگان سلحشور اسلام سالم به آغوش خانواده هایشان (!) باز گردند پیروزی نهایی نصیب این لشکر رسول الله بکنند(!).



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران